



گره مبارزات موجود

کارگری حکمتیست می پرسد...

نکته را توضیح دهم. طبقه کارگر در ایران امروز با یک تعرض وسیع به سطح معیشت خود مواجه است. این تعرض ابعاد همه جانبه ای با برجام و بدون برجام دارد که از نیاز سرمایه در ایران نشأت گرفته است. تعرضی که در سیاست اقتصاد مقاومتی، که از ولی فقیه تا بقیه پشت آند و بحث سیاست جلب سرمایه و ایجاد امنیت برای سرمایه گذاری، که بعد از برجام در دستورشان است، خود را نشان میدهد. پایه اساسی هر دو برنامه، در اساس تعرض به معیشت طبقه کارگر و در عین حال رفع خطر اعتراض این طبقه است. دوره اخیر و در دولت اعتدال این تعرض سازمانیافته، وحشیانه و همه جانبه در کل ابعاد زندگی طبقه کارگر در جریان است. اقدامات این دوره از جمله تغییر در قانون کار، باز کردن دست کارفرمایان در اخراج، افزودن مناطق وسیع صنعتی به مناطق آزاد صنعتی و خارج کردن بخش وسیعی از کارگران حتی در مراکز صنعتی از شمول قانون کار، خواباندن مراکز غیر سود ده و تقلیل نیروی کار با بیکارسازیهای وسیعی که شاهدش بوده ایم و... تنها گوشه هایی از این تعرض است. ... صفحه ۳



کولبرهای کردستان، قربانیان بی حقوق و بی پناه حوادث کار

همیل فوازیه زر

طبق اخبار منتشر شده، یکی از روزهای این هفته، طی تصادف مرگباری در یکی از جاده های مرز هورامان، منتهی به مرز کردستان عراق، سیزده نفر مجروح شدند. این خبر حاکی است که چهار نفر از مجروحین در محل در گذشته اند و سایرین به بیمارستان منتقل شده اند. گفته میشود که تعداد دیگری در بیمارستان، جان باخته اند. همچنین گفته میشود که تمام سرنشینان یکی از اتومبیلها، کولبر و زحمتکشانی بوده اند که برای امرار معاش به حمل بار روی دوش خود، بین ایران و عراق رفت و آمد میکنند. این کار خطرناک، سخت و تحت عقب مانده ترین شرایط و در بی امکاناتی مطلق، سالهاست که این زحمتکشان را قربانی حوادث کار کرده است. تصادف در جاده های سخت، یکی از این قربانگاه ها است. ... صفحه ۴

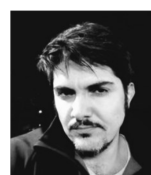
حکمتیست: کمتر روزی است که شاهد تجمعات، اعتصابات و اعتراضات متنوع کارگری در جای جای ایران نباشیم. همین چند روز پیش و بعد از ۱۷ روز تحصن ۴۰۰۰ هزار کارگر ایران ترانسفو زنجان علیه اخراج به بهانه کوچک سازی کارخانه، ظاهرا اخراج کارگران این شرکت فعلا به حالت تعلیق درآمده است. مدیر کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان زنجان اعلام کرده است که مطالبات کارگران در قالب مصوباتی به مسئولان استانی ابلاغ شده و پیگیری مصوبات در دستور کار قرار داده شده است. به دنبال توقف این تحصن، حدود ۲۰۰۰ نفر از کارگران شرکت آلومینوم المهدی در اعتراض به کاهش یک سوم از سطح دستمزدشان با تجمع در مقابل دفتر مدیریت این شرکت، باعث متواری شدن مدیر عامل شده اند. اینها تنها آخرین نمونه از ده ها و صدها اعتراض کارگری است که به اشکال متنوع هر روز در ایران در جریان است. سوال این است که چرا این تحرکات کارگری با وصف کمیت آنها اما به جایی نمیرسند؟ چرا مثلا برای نمونه مطالبات کارگران ایران ترانسفو به مطالبات کارگران پتروشیمی هم تبدیل نمیشود؟ چرا جایی شاهد اعلام همبستگی طبقاتی در صفوف طبقه کارگر بر سر مطالبات مشترکشان نیستیم؟ چرا شاهد یک سنگربندی طبقاتی وسیع و سراسری علیه تعرض جمهوری اسلامی به معیشت و بیکاری و رفاه نیستیم؟

خالد حاج محمدی: قبل از جواب دادن به سوالتان اجازه بدهید چند

حکمتیست ۱۲۶

۱۵ اوت ۲۰۱۶ - ۲۵ مرداد ۱۳۹۵
دوشنبه ها منتشر میشود

صف مدافعین شیک



اعدام!

فواد عبداللہی

در ادامه اعدام طیفی از زندانیان توسط جمهوری اسلامی در دو هفته اخیر، و به دنبال اخباری که از رسانه های خارجی و داخلی پخش شد و موجی از انزجار و اعتراض به این آدم کشی های عیان به همراه داشت، عده ای هم تحت عنوان اپوزیسیون و معترض، ابراز وجود کرده اند. حساب آدم کشانی که مردم را طی مراسم های شنیع به قتل می رسانند، کاملا روشن است. این ها با این جنایات تنها و تنها بر قله رفیع نفرت مردم از خود و خشم برحق شهروندان می افزایند و پرونده جنایات خود را قسطور و قسطور تر میکنند. کسانی که روزی باید تاوان این همه قصاوت و آدم کشی را بدهند، عیان است. چه کسی است که نداند آنها که در مقام اجرای عدالت نشسته اند، چه جانورانی اند. چیزی که در این میان پنهان است، ریاکاری صفی است از شخصیت های سیاسی در "اپوزیسیون" که بنام نقد و اعتراض به این جنایات، ده ها است که ابراز فضل و ابراز وجود میکنند و نظر و سیاست خود در رابطه با اعدام را پشت خرواری اراجیف به اصطلاح حقوقی و "روشتفکرانه" و "مخالفت با خشونت" پنهان می کنند. می این دوستان دروغین مردم و مخالفین دروغین اعدام را باید گرفت. از حزب بی بی سی تا فرخ نگهدار و سازمان اکثریت و اتحاد جمهوری خواهان دلشان خیلی بدرد آمده است چرا که "محاکمات عادلانه نبوده"، گفتند که "این اعدام ها بدون رعایت حقوق اولیه متهمان در برخورداری از یک محاکمه عادلانه و منطبق با موازین حقوق بشر صورت گرفت"، ... صفحه ۲

آزادی
برابری
حکومت کارگری

صف مدافعين ...

گفتند که "بدون خاتمه مراحل دادرسی و قطعیت حکم، اعدام شدند"، و این علامت "رفتارهای تنگ نظرانه و خشونت آمیز و عدم تحمل دستگاه قضایی" است!! و اتفاقاً از همین جدل و جدال بر سر پدیده مجازات اعدام پیداست که طیف متلون لم داده در استودیوی بی بی سی، ملی - اسلامی، کهنه دوم خردادی، اصلاح طلب و معتدل و مدافع خجول نظام چه کسانی اند. کل تفاوت این طیف دستگاهی واسطه در لباس اپوزیسیون با جمهوری اسلامی بر سر مسله اعدام در این است که اگر میکشید، قانونی بکشید. اگر اعدام میکشید سعی کنید مراحل قانونی خودش را طی کند. اگر قتل عام می کنید بگذارید "با موازن حقوق بشر" صورت گیرد. به جای اعدام در ملا عام، در خفا و بدور از چشم جهانیان اجرایش کنید و آبروی نظام را بیش از این نبرید. کشتن به شیوه خوشخیم و نه بدخیم و از نوع داعشی آن؛ و این کل تفاوت سیاسی و مرز هویتی یک "اصلاح طلب" معتدل در مورد پدیده اعدام است با یک اصولگرا.

اکنون همه جناح های بورژوازی در ایران منفعت مشترکی در این قضیه دارند که حربه اعدام و تعرض دولت به جامعه جزو ملزومات ادامه حیات برجام شان است. تفاوتی اگر هست در شیوه مدیریت این تعرض است. اگر قوه قضاییه شمیر را از رو می بندد، در عوض دولت و عقبه طرفدارانش خواهان مدیریت نرم و قانونی این اعدامها در اشکال متنوع توسط مراجع قانونی اند. هیچ شخصیت و جریانی از این طیف سینه چاک جبهه اصلاح طلبان و معتدلين نظام، مطلقاً کلمه ای در لغو بی مشروط و بی چون و چرای مجازات اعدام بر زبان نیاورد. در عوض تا دلتان بخواهد به ارزانترین شکل ممکن اعلام کردند که تنها مخالف اعدام به شیوه غیر قانونی اند. عدالت در دادگاه این "اپوزیسیون" یعنی قصاص قبل از اعدام؛ یعنی قانوناً باید اثبات کرد که زندانی مجرم است تا بعد حکم را به اجرا در آورد. این تمام

مخالفت این شیادان سیاسی با نفس پدیده اعدام و قتل عام های فله ای اخیر توسط جمهوری اسلامی است. این شغل شریفی است که به اصطلاح "اپوزیسیون" ولایت فقیه، ۳۰ سال است برای آن خیز برداشته است. بی خود نیست که روح منتظری را در کور قلقلک داده اند و نوار صوتی اعتراض او به کشتارها و اعدام های ۶۷ را منتشر کرده اند. حواسشان هست که از دولت برای خود قدرت و مقام مطالبه کنند. حواسشان هست که به دین و راه و رسم و قوانین این دولت خدشه ای وارد نشود. اینها امیدوارند مدیران قانونی دادگاه های جمهوری اسلامی شوند. و به مردم دارند همین وعده را میدهند. کسانی که یکپا در هر دو جناح دارند. از یکطرف پایبون کروات میزنند، از طرف دیگر به اصل ماجرا که میرسد لنگ و چارقد و عبا میپوشند. هدف دور نگه داشتن جامعه و قرنطینه سیاسی، فرهنگی و معنوی آن است. هدف جلوگیری از ایجاد فضای قطبی و متشنج است. هدف جلوگیری از رشد اعتراض علیه جمهوری اسلامی، علیه بساط اعدام با کل بنیادهای ایدئولوژیک ضد انسانی آن است. هدف کماکان مصون داشتن جمهوری اسلامی از حمله پایین و شوریدن محرومین علیه آن است.

نسخه این اپوزیسیون دستگاهی، از نگهدار و بهنود و گنجی و نبوی گرفته تا جریانات جبهه ملی، توده - اکثریت، جمهوری خواهان، و بنی صدر و حزب بی بی سی، نه فقط علیه مجازات اعدام نیست بلکه عیناً جاده صاف کنان ادامه اختناق، سرکوب و تعرض جمهوری اسلامی به مردم ایران بوده و هستند. چند بار باید ثابت شود که عقب راندن جمهوری اسلامی و قوانین کثیف اش جز با دفاع صریح از ارزشهای انسانی ممکن نیست. چند بار باید ثابت شود که راه جلوگیری از توحش مذهبی باج دادن به آن و تلاش برای چهره معتدل ساختن از آن نیست بلکه مبارزه بی تخفیف علیه آن است. چند بار و به چه بهایی باید به اینها ثابت شود که اسلام و مذهب پیشکش حتی بورژوازی ایران جناح مترقی و قابل حمایت ندارد. چند بار

باید ثابت شود که تنها وجود یک آلترناتیو کمونیستی، آزادخواهانه رادیکال و واقعی است که میتواند زمین را از زیر پای جمهوری اسلامی جارو کند. چطور نمیفهمند که راه ممانعت از ارتجاع و کشتار اسلامی مشروعیت دادن به این تحجر و ترور در اشکال نوین نیست.

مشکل اینجااست که این جماعت بیش از این شانس برای ایفای نقش واسطه میان رژیم و مردم ندارند. اینها با نسلی سر و کار دارند که نه فقط مذهبی نیست که ضد مذهبی است، که با مجازات اعدام نه تنها مخالف است که از بیخ خواهان لغو و پایان دادن به این تحجر است. مسله "محاکمات عادلانه و قانونی" در جمهوری اسلامی، مسله این نسل نیست. مسله این نسل انزجار از نظام و قوانینش است؛ تنفرش از امثال چنین اپوزیسیون دستگاهی است که با تکیه بر دولت اعتدال دکان سیاسی باز کرده است. دروغ می گویند که مجبورند از این راه قانونی خجولانه و شیک از قانون اعدام دفاع کنند. آیت الله منتظری که شریک دور اول قتل ها و اعدام های حکومت در شروع به قدرت رسیدنش بود، سرانجام هنگامی که ابعاد جنایت از حد گذشت، مقام و موقعیت را با گفتن برخی از حقایق مربوط به اعدام های دهه شصت تاخت نزد، این روشنفکران مفلوک توده - اکثریت، فعالین به اصطلاح ضد خشونت از آیت الله ها آیت الله تر اند و بیشتر حافظ منافع نظام. این طیف طفیلی عالم سیاست، این بازماندگان سنت آل احمدیسم همه هنرشان این است که به امید گشایشی به نفع خودشان، هر جرم و جنایت و خشونت رسمی و قانونی در ایران را، رنگ کنند و در بسته بندی های شیک به بازار سیاست در ایران عرضه کنند. این موافقین اعدام شیک و تمیز و مخفی و نه در ملا عام، این مداحان اعدام های قانونی را باید رسوا و منزوی کرد. مبارزه با اعدام در ایران و برای برچیدن بساط این آدم کشی های قانونی و شنیع، وسیع است. رهبری و سازماندهی این مبارزه، اما کار کمونیست ها است و باز کردن مشت این طیف ریاکاران به نرخ روز خور قدمی

در این راه است. مردم ایران علیه ارتجاع اسلامی در هر شکل و شمایلی مبارزه میکنند. این مردم بیش از هر کس ماهیت مذهب و حکومت مذهبی را میشناسند و میتوانند در مقابل تبلیغات دولت و پامنبری امثال توده - اکثریت و طرفداران خجول اعدام بازگو کننده حقایق باشند. ما کمونیست ها، ما حکمتیست های متحزب برای پر زور کردن اهرم فشار از پایین علیه بالا، برای به عقب راندن فضای اختناق و سرکوب، برای برچیدن بساط اعدام و قتل عام چه در شکل قانونی و چه غیر قانونی و نهایتاً به میدان کشیدن هرچه بیشتر مردم ایران در دفاع از حقوق جهانشمول انسان فعالانه تلاش میکنیم.

مساله ای که مطرح شده است از اهمیت بسزایی برخوردار است. قطب بندی ای که بر سر مسله نفس پدیده اعدام وجود دارد واقعی و عمیق است. اینکه هیاهو و عوامفریبی این اپوزیسیون نان به نرخ روزخور تا چه حد میتواند افتضاح سیاسی جدیدشان را رفع و رجوع کند فرعی است. مهم اینست که در برابر کل اردوی بورژوازی ایران و جمهوری اسلامی در راس آن، در برابر سکوت سیاسی و معنادار اپوزیسیون دستگاهی در مورد لغو مجازات اعدام، و تزها و سیاست های رنگارنگشان برای بدست دادن چهره ای سفید و آبرومند از جمهوری اسلامی در برابر جهانیان، صف آزادیخواهی و برابری طلبی و سکولاریسم با تمام قوا به میدان بیاید. حزب حکمتیست به این مبارزه متعهد است.

حکمتیست را توزیع و پخش کنید!

حکمتیست را به دوستان و

آشنایان معرفی کنید!

حکمتیست را بدست کارگران

برسانید!

گره مبارزات موجود ...

طبقه کارگر ایران راهی جز مقابله با این تعرض ندارد. مبارزه و اعتراض این طبقه به این تعرض و مقاومت در مقابل تحمیل شرایط فلاکت‌آورد اقتصاد به زندگی خود اجتناب ناپذیر است. شما می‌توانید تصور کنید که جمهوری اسلامی یا هر دولت بورژوازی در توازن قوایی جامعه را مختنق کند و جامعه الزاما بلافاصله اعتراض نکند و به اصطلاح تحمل کند، اما تحمل گرو گرفتن نان شب و معیشت از طرف طبقه کارگر ناممکن است و با اعتراض این طبقه مواجه خواهد شد. عکس‌العمل خود بخودی و طبیعی کسی که امنیت شغلی را از او گرفته‌اند، دستمزدش را هر روز در قالبی و به بهانه‌ای میزنند، زندگی امروز و فردای خود و خانواده‌اش در معرض سقوط به فقر مطلق است، اعتراض، مقابله و مقاومت است.

نفس عکس‌العمل طبقه کارگر در مقابل بورژوازی و دولت حاکم امری طبیعی است که بورژوازی ایران هم برای آن حساب باز کرده است و به حساب آورده است. اما نوع و دامنه و ابعاد و اشکال این مقاومت و این مقابله علاوه بر توازن قوا بستگی به فاکتورهای دیگری دارد که دیگر به میزان خودآگاهی، به میزان اتحاد و همبستگی، به میزان تشکل و تحزب و به موقعیت کمونسم طبقه کارگر و افق انقلاب کارگری بستگی دارد.

طبقه کارگر ایران نیروی عظیم و بزرگ و قدرتمندی است که در خاورمیانه ویژه است و یکی از گردانهای اصلی و قوی این طبقه است. اما ما با یک بورژوازی آگاه به منافع خود و با تجربه نیز طرف هستیم که هم این طبقه و ظرفیتهای آن را میشناسد و هم معضلات و مشکلات و ضعفهای آن را. کار بیست و چهار ساعته روی ذهن کارگر، صدها و هزاران ابزار تبلیغی از رادیو و تلویزیون تا

مسجد و محل کار و انواع ارگانهای مختلفی که ساخته‌اند، با درک واقعی از توان طبقه کارگر و قدرت بالقوه آن است. بورژوازی ایران تلاش همه جانبه‌ای را میکند که معضلات خود و بخشهای مختلف سرمایه را روی میز کارگر بگذارد و به معضل او تبدیل کند. ورود کالای خارجی، مبارزه با خصوصی سازی، توان رقابت کالای ایرانی، کاهش هزینه تولید برای فروش و توان رقابت، ممانعت از ورشکستگی مراکز کم سود و دهها مسئله دیگر که در دنیای واقعی مشکل کارگر نیست و بخشی از جدالهای درونی بورژوازی چه در جامعه ایران و چه در ابعاد جهانی تر است را به عنوان معضلات طبقه کارگر به خورد این طبقه میدهند. این را در کنار انواع انشقاقات مذهبی، ملی و ناسیونالیستی، وطن پرستی، کارگر بیکار و شاغل، زن و مرد، ایرانی و خارجی، بومی و غیر بومی، ترک و فارس و کرد و لر و ...، در کنار هزار وعده شکوفایی اقتصادی و معطل کردن پرداخت دستمزد روزانه کارگر به این به اصلاح شکوفایی قرار دهید، آنوقت بخشی از مشکلات مبارزات طبقه کارگر و معضلات ذهنی آن را که مانع اتحاد و پیوستگی و احساس همسرنوشتی آن است را خواهد دید. علاوه بر این وضع معیشتی، ترس از اخراج و زندان و ... همگی گوشه‌هایی از مشکلات امروز طبقه ما است که بر مبارزه این طبقه حتی در هر کارخانه و مرکز کاری تاثیر جدی دارد.

با همه اینها باید توجه داشت که مبارزات موجود طبقه کارگر و نمونه‌هایی که شما از آن اسم برده‌اید، همراه دهها مورد دیگر از کارگران بافق، چادرمولو، پتروشیمی‌ها، ایران خودرو، برق و ... همگی بیان یک جنبش اعتراضی بزرگ است که با همه معضلات و نارسایی‌های خود، مقابله بسیار جدی است که بورژوازی ایران با آن

مواجه است. اگر این مقابله‌ها نبود، اوضاع به مراتب از این هم وخیم تر بود. در مورد اتحاد سراسری و همبستگی سراسری و موفقیت مبارزات کارگری و چگونگی آن، لازم میدانم یکی دو نکته دیگر را یادآوری کنم.

تجارب همین دوره مبارزات کارگری در ایران الگوهای برجسته و بسیار با ارزشی از خود بدست داده است. مبارزات کارگران چادرمولو و دفاع آنها از رهبران و نمایندگان خود، مبارزات کارگران بافق و تبدیل اعتراض خود به اعتراض مردم بافق و از این کانال جلب پشتیبانی وسیع مردم یک شهر، اعتراضات در پتروشیمی‌های بندر امام و دفاع کارگران پتروشیمی تبریز از آنها و اعلام همبستگی با آنها، تنها نمونه‌هایی است که با هوشیاری بالایی و با اتکا به نیروی متحد و بر شانه رهبران لایق خود پیش رفته‌اند. این تجارب گرانبها و اتحاد اخیر کارگران ترانسفو در زنجان که ستودنی بود، همگی از با ارزش ترین و مهمترین اعتراضات متحد کارگری این دوره بوده اند.

اما مبارزه سراسری طبقه کارگر و یا اتحاد سراسری این طبقه حتی به صورت رشته‌ای هم، مستلزم افقی سراسری و قدمی فراتر رفتن از وضع موجود است. اینکه چرا مبارزات موجود حتی در برجسته‌ترین شکل به اهداف خود لاقفل بطور کامل نمیرسد، واضح است بدلیل اینکه قدرت و توان کافی برای توفیق یافتن و وادار کردن بورژوازی و دولت به عقب نشینی را نداشته‌اند. قهرمانی کارگران در بسیاری از این مبارزات علیرغم اهمیت بالای آن، هنوز آن اهرم پرزوری نیست که دستاورد جدی در این حد داشته باشد که همه مطالبات آنها را به طرف تحمیل کند. این به توازن قوا بر میگردد و به توانی که دارید. کارگران در همه این اعتراضات وارد جنگی شده اند که در مقابل آنها یک بورژوازی

متحد با یک دولت تا دندان مسلح و هار و هوشیار طرف است. تحمیل کوچکترین مطالبه در گرو توان و مقابله‌ای قدرتمند است که اعتصابات هر چند بزرگ و مهم اما پراکنده آن را تامین نمیکند.

گفتم مبارزه سراسری طبقه کارگر و اتحاد سراسری احتیاج به داشتن افق سراسری و مشترک از انقلاب کارگری و درک منفعت عمومی تر طبقه کارگر دارد که تامین چنین افقی از اعتراض روزمره و جاری این طبقه با همه ارزشمندی و اهمیت بالای آن در نمی‌آید. صف بندی طبقاتی در ابعاد مورد نظر شما، حلقه‌ای بسیار بالاتر از موقعیت موجود است که اگر تامین شود دستاوردهای بسیار بزرگی نصیب طبقه کارگر و حتی کل جامعه خواهد شد. چنین جدالی از سطح مبارزات موردی و هر چند بزرگ و مهم خارج است و تامین آن به رهبری سراسری خود محتاج است. افق انقلاب کارگری و رهبری سراسری در گرو حزب کمونیستی کارگری قدرتمند و با نفوذ این طبقه است و بدون این نخواهیم یا نخواهیم مبارزات و قهرمانی طبقه کارگر در ایران دامنه‌اش از محدوده‌ای خارج نخواهد شد. در حقیقت ضعف مبارزات موجود کارگری در ایران به ضعف کمونیستها و به ضعف ما، به ضعف آن گرایشی در طبقه کارگر مربوط است که منافع درازمدت و سراسری این طبقه را به عنوان یک طبقه با یک منفعت نمایندگی میکند.

بحث من این نیست که پس کارگر کمونیستی که فرضا در ایران خودرو کار میکند باید منتظر آن روزی باشد که طبقه کارگر صاحب حزبی سراسری و قدرتمند و دخیل در مبارزاتش شود. بی شک هر کارگر کمونیستی باید بداند که جنگ سراسری، جنگ طبقاتی با طبقه حاکم و برای نجات از بردگی در گرو داشتن ابزار این جنگ در بعد سراسری است و باید در دستور ...

مرکب بر جمهوری اسلامی! زنده باد سوسیالیسم!

بعلاوه عبور از میدان های مین هنوز فعال و بکیر و ببندهای نیروهای نظامی جمهوری اسلامی ایران بعنوان شرایط رویتن کار این مردم فقر زده، باید اضافه کرد. دستگیری و اخاذی و بگیر و ببند توسط، نیروهایی که حافظ منافع انگل هایی هستند که عبور و مرور کالا ها از مرزها در ابعاد هزاران میلیون تنی، با هواپیما و کشتی و کامیون، در انحصار مطلق مالتی میلیادرهای در حکومت و دوست و رفیق حکومت است. باید به شرایط کار این جمعیت زحمتکش اضافه کرد. همه زخمی و کشته شدگان این حادثه، انسانهایی بودند که برای امرار معاش خود و خانواده در مسیر مرز کردستان عراق به ایران کولبری میکردند و در واقع اکثریت آنها کولبر بودند که برای بدست آوردن لقمه نانی مجبور بودند این مسیر را در طول شبانه روز طی کنند. معلوم نبود در این مسیر چه بلاها و مشقاتی چشم پراشان است! ترس از اینکه آیا امشب با دست پر یا بهتر است بگوییم با کول پر برمیگردند، یا اینکه "شانس" بیاورند و در مسیر رفت و برگشتشان مینی منفجر نشود، و قربانی مین های بجا مانده از دوران جنگ ایران و عراق که هنوز در مرزها قربانی میگردد، نشوند، همیشه همراه این

زحمتکشان است. کسانی که با به خطر انداختن جان، بدنبال لقمه نانی در بیابانها و جاده ها در رفت و آمد هستند. در این مسیر مین های به جا مانده از جنگ ایران و عراق، با منفجر شدن جان این مردم بی گناه، در واقع پاک سازی شده است و کسی هم تا بحال جوابگو نبوده است... کسانی که اگر بخت و اقبال یارشان بوده، و توانستند از این مهلکه جان سالم بدر بردند، باید در انتظار کسانی باشند که از آنها باج و خراج میگیرند و در صورت امتناع معلوم نیست که چه سرنوشت شومی را خواهند یافت. اگر از این خوان هم گذر کردند! اینبار نوبت مرزبانان و ایستگاه های بازرسی، کمین نیروهایی نظامی و انتظامی است، البته اگر جان سالم از رگبارهای کور آنها بدربرند. باید از این مسیر خطرناک گذر کنند تا به ایستگاه و مقصدشان برسند. اما اینبار جاده ها که حکم دیوار مرگ را دارد و از وکیفیت بد و نبود امنیت و پایین بودن امکانات و فقدان آموزش درست برخی رانندگان، از آنها قربانی گرفت و فاجعه ای آفرید که قلب هر انسانی که خود حتی دردی هم در زندگی نکشیده باشد، را به درد می آورد...

امار تلفات این حادثه هنوز قطعی نشده است. گفته میشود که حال مسدومین در بیمارستان وخیم است. همه این انسانها نان آوران خانوادههایشان بودند که در این حادثه جانیشان را از دست دادند و یا دچار جراحات شدید جسمی شدند که بعضا جبرانناپذیر است. بیش از جاده و امکانات جاده و آموزش رانندگی و خستگی رانندگان و ... این دولت است که مسئول است. این حادثه باید بعنوان حوادث کار محسوب شود و مصدومین و قربانیان بعنوان حداقل شامل همه حقوق کارگران در شرایط مشابه شوند. باید خود و خانواده شان شامل تمام تامین مالی و درمانی و مزایایی شوند که شامل یک کارمند عالی رتبه دولتی، یک نماینده مجلس، یک وزیر و یا یک فرمانده ارتشی میشود. که حین کار، به خاطر کار، جان خود را از دست میدهند و یا آسیب می بینند. حمایت و تامین معیشت این خانوادهها که نان اورانشان را از دست داده اند و یا دچار جراحات و آسیب های جسمی و روانی جبران ناپذیری شده اند، بعهدہ دولت است. دولت موظف به حفاظت از زندگی و تامین آینده بهتر برای خانوادههای این انسانها و کسانی است

که مجبورند برای تامین زندگی مشقتباری که بطور سیستماتیک به طبقه کارگر و مردم زحمتکش آن جامعه تحمیل کرده اند، به چنین کارهای خطرناکی روی آورند. باید یقه دولت و مقامات را گرفت! در این جا از این فرصت استفاده می کنم و به همه اعضا خانواده، بستگان، دوستان و آشنایان این عزیزان تسلیت میگویم. خود را از صمیم قلب شریک درود و اندوه آنها میدانم. همه ما باید تلاش کنیم که بعض و خشم خود از این همه بی عدالتی را سمبه زور مبارزه برای کسب تمام حقوق و آزادی های خود کنیم.

قدرت طبقه کارگر در حزب و تشکل اوست!

با افق انقلاب کارگری که منافع کل طبقه کارگر را نمایندگی میکند، حزبی با نفوذ که میتواند این افق و مبارزه طبقه کارگر در بخشهای مختلف را در مقابل تعرض سازمانیافته بورژوازی متحد و سراسری و قدرتمند پیش ببرد، نمیتوان از اتحاد سراسری طبقه کارگر و از سراسری شدن مبارزه صنفی کارگر حرفی زد. از این زاویه همانطور که اشاره کردم ضعف مبارزه امروز طبقه کارگر ضعف کمونیسم متحزب ما است.

سندیکاها کارگری هرچند قدرتمند مبارزات خود را سراسری و به پیروزی برساند، تصویر رایج اما اشتباهی است که متأسفانه در جنبش کارگری موجود است. سندیکا و اتحادیه بنا به تعریف رشته ای و صنفی است و وظیفه برآورده کردن مطالبات کارگران یک رشته، یک مرکز یا یک صنف را دارد. کم نبودند اتحادیه های کارگری رشته های مختلف که در تلاش برای بهبود وضعیت کارگران رشته خود، در مقابل هم قرار گرفتند. در دنیای واقعی بدون یک حزب سیاسی

گرو داشتن ابزار مناسب این جنگ است. این ابزار حزب کمونیستی طبقه کارگر است. و امروز مستقل از هر تحلیل و ارزیابی که من یا هر کمونیستی از خود و حزب دارد، ضعف ما، ضعف کمونیستهای این طبقه و ضعف احزاب کمونیستی است که موقعیت مبارزات موجود کارگر با ابعاد گسترده آن، پا را از محدوده ای فراتر نمیبرد. تصور اینکه طبقه کارگر میتواند با سازمانهای صنفی کارگری، با

هر کمونیستی باشد. اما قدم اول در این راه ایفای نقش و تاثیر در همین مبارزات و در همان ایران خودرو و برای اتحاد کارگران کمونیست آن و برای ساختن کمیته های کارخانه است. کمیته هایی که در مبارزات کارگران آن دخیل اند و منشا اتحاد، خودآگاهی و بالا بردن همسنوشتی و آگاهی آنها هستند. کمیته هایی که در دل همین مبارزات روزمره منشا اتحاد کارگران هستند. اما توفیق نهایی در جدال ما با بورژوازی در



سازماندهای صنفی کارگری

حزب

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللہی

fuaduk@gmail.com

تماس با حزب

hekmatistparty@gmail.com

کارگران جهان متحد شوید!